الف: اهداف کلی و جزئی این بخش (صفحات ۱۱۱-۹۹)

اهداف کلی:

۱. تقویت **توکل و اعتماد به خدا** در مواجهه با چالش‌های اجتماعی.
۲. درک **فلسفه و آداب نماز** به‌عنوان عملی برای رسیدن به آرامش و تقرب به خدا، نه صرفاً یک حرکت فیزیکی.
۳. تقویت مهارت **تصمیم‌گیری اخلاقی** بر اساس معیارهای دینی در موقعیت‌های فشار گروهی.

اهداف جزئی (مهارتی، دانشی، نگرشی):

درس حکام: نمازوورزش	درس «اعتماد به خدا» (داستان تملیخا و تطبیق)	رده هدف
-شناخت ارکان نماز (رکوع) و شرایط صحت آن. -دانستن تفاوت هدف نماز و ورزش.	-آشنایی با داستان اصحاب کهف به‌عنوان مصداق توکل. -شناخت نشانه‌های تدبیر الهی در طبیعت (مثل نور خورشید در غار).	دانشی
-توانایی **تطبیق احکام** در موقعیت‌های مختلف نماز (مثل فراموشی رکوع). -توانایی **تفکیک بین عبادت و عادت**)نماز vs ورزش.(	-توانایی **استدلال اخلاقی** در دفاع از حق در جمع (مانند دفاع از معلم). -توانایی **تشخیص موقعیت گناه** و مقاومت در برابر آن (مانند تماشای فیلم نامناسب).	مهارتی
-تقویت **نگاه عبادت محوربه نماز** نه ورزش‌محور. -پرورش **احساس ادب و تواضع درپیشگاه خدا** در حرکات نماز.	-تقویت **شجاعت اخلاقی** و تحمل تنهایی برای حق. -افزایش **اعتماد به همراهی همیشگی خدا** « هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُم »	نگرشی

ب: خلاصه مفهومی صفحات ۹۹ تا ۱۱۱

۱ .درس هفتم: اعتماد به خدا (تطبیق داستان تملیخا درزندگی نوجوان)

- **صفحات ۱۰۱-۹۹ :**راوی پس از بیداری از رویا (دیدن داستان اصحاب کهف)، در دو موقعیت واقعی آزمایش می‌شود:
  - **موقعیت اول :**دفاع از معلم در برابر شایعات و مسخره‌کردن دیگران. او با یادآوری شجاعت تملیخا، حرف حق را می‌زند و تنهایی شیرین با خدا را تجربه می‌کند.
  - **موقعیت دوم :**مقاومت در برابر تماشای فیلم نامناسب در مدرسه. او با استدلال‌های سه‌گانه (قانون مدرسه، مسئولیت اخروی، نعمت چشم) از جمع جدا می‌شود و برخی را نیز متقاعد می‌کند.
- **پیام کلیدی :**اعتماد به خدا یعنی عمل به وظیفه در شرایط سخت، با اطمینان به اینکه خدا حامی و ناظر است: او با شماست هر کجا باشید

۲ .درس: احکام نمازوورزش (بحثی جذاب درمدرسه)

- **صفحات ۱۱۱-۱۰۲ :**در قالب داستانی جذاب، دانش‌آموزان با حاج‌آقای محمدی دربارهٔ نماز گفت‌وگو می‌کنند.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

- **پرسش اصلی»** :اگر رکوع شبیه ورزش است، چرا باید نماز خواند؟«
- **پاسخ حاج‌آقا** :هدف نماز **یاد خدا و آرامش دل** است، نه ورزش. حرکات نماز (مثل رکوع) **آداب ادب و تواضع** در پیشگاه خداوند است، مشابه احترام نظامی که آداب خاص خود را دارد.
- **نکته فقهی** :شرایط صحت رکوع (آرامش بدن، گفتن ذکر در حالت آرام، بلند نشدن پیش از اتمام ذکر) و احکام فراموشی یا اضافه کردن رکوع.
- **فعالیت کلاسی** :اجرای نمایشی موقعیت‌های مختلف رکوع و تشخیص صحت یا بطلان نماز توسط دانش‌آموزان.

ج: طراحی سؤال بر اساس صفحات و سطوح شناختی

پاسخ کلیدی	سؤال (بر اساس سطح شناختی)	صفحه
زیرا به‌خاطر عمل به تکلیف و همراهی خدا (توکل)، احساس آرامش و عزت می‌کنیم.	**درک و فهم** :چرا در دفاع از کسی مانند معلم، خود را تنها اما خوشحال احساس می کنیم؟	ص ۱۰۰
۱ .قانون مدرسه (قانون). ۲. پاسخگویی در قبال گناه (مسئولیت). ۳. استفاده درست از چشم (شکر نعمت).	**تحلیل** :استدلال‌های سه‌گانه راوی برای عدم تماشای فیلم را مقایسه کنید: کدام استدلال به «قانون»، کدام به «مسئولیت اخروی» و کدام به «شکر نعمت» مربوط است؟	ص ۱۰۱
مانند راوی، با ادب و قاطعیت اعتراض می‌کنم و دلیل اخلاق می‌آورم (احساس مسئولیت، رضایت خدا).	**کاربرد** :اگر در گروهی، دوستانتان شروع به غیبت از یکی از معلمان کنند، شما بر اساس درس اعتماد به خدا چگونه عمل می‌کنید؟	ص ۱۰۲
«سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ وَ بِحَمْدِهِ» (منزه است پروردگار بزرگم و حمد از آنِ اوست).	**دانش** :ذکر رکوع چیست؟	ص ۱۰۴
زیرا هر جایگاهی (مانند فرماندهی) آداب خاص احترام خود را دارد؛ پیشگاه خداوند بالاترین جایگاه است و رکوع، ادب ویژهٔ بندگی در برابر اوست.	**تحلیل** : چرا حاج‌آقا برای ادب در نماز، احترام نظامی را مثال زد؟	ص ۱۰۵
خیر، زیرا **هدف** نماز (یاد خدا و آرامش) با هدف ورزش (سلامت جسم) متفاوت است. همچنین **نیت و آداب** حرکات در نماز باید برای خدا و به شکل معین باشد.	**ارزیابی** : به نظر شما آیا می‌توان حرکات ورزشی که شبیه رکوع است را جایگزین رکوع نماز کرد؟ چرا؟	ص ۱۰۶
نمازش **باطل** است، زیرا گفتن ذکر رکوع (در حالت آرامش) از **ارکان** نماز است.	**کاربرد** : اگر کسی در نماز، ذکر رکوع را نگوید ولی کاملاً خم شود، نمازش چه حکمی دارد؟	ص ۱۰۸
پاسخ آزاد (مثال: نماز مانند مکالمه با بهترین دوست است؛ حرکاتش نشانهٔ ادب، و ذکرهایش سخن گفتن از دل است که آرامش می‌آورد. ورزش بدن را قوی می‌کند، اما نماز روح را تغذیه می‌کند).	**آفرینش** : شما چگونه می‌توانید موضوع «نماز، آرامش‌بخش دل» را به دوستانی که نماز را فقط یک حرکت بدنی می‌دانند، توضیح دهید؟ (یک پاراگراف بنویسید)	ص ۱۱۱

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

پاسخ کلیدی	سؤال (بر اساس سطح شناختی)	صفحه
این آیه نشان می‌دهد خداوند حتی جزئیات طبیعی مانند تابش خورشید را به گونه‌ای تنظیم کرده که هم نیازهای جسمی اصحاب کهف را برطرف کند (نور و گرمای مناسب) و هم آنان را از دید دشمنان پنهان نگه دارد. این بیانگر **حکمت و تدبیر دقیق خداوند** در همه امور است.	**تفسیر آیات :**آیه‌ای که در متن درس دربارهٔ غار اصحاب کهف آمده است («وَ تَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَتَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ...») چه پیامی دربارهٔ تدبیر الهی دارد؟	ص ۹۹
این جمله بر پایهٔ اصل «**اياكم و الظن؛ ازگمان بد بپرهیزید** »و نیز قاعدهٔ «**چیزی را برای دیگران نخواهید که برای خود نمی‌پسندید** »(حدیث نبوی) استوار است.	**تحلیل رفتار :**راوی در دفاع از معلم، از جمله «اگر کسی پشت سر شما همین کار را انجام بدهد، خوشتان می‌آید؟» استفاده کرد. این جمله بر پایهٔ کدام اصل اخلاق اسلامی استوار است؟	ص ۱۰۰
این آیه به ما یادآوری می‌کند که خداوند در همه حال و مکان حاضر و ناظر است؛ بنابراین در موقعیت‌های سخت (مانند مقاومت در برابر فشار گروهی)، احساس تنهایی نمی‌کنیم و با اطمینان به حضور او، شجاعت عمل به تکلیف را پیدا می‌کنیم.	**استنباط از آیه :**در پایان درس، آیهٔ «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ» (سوره حدید، آیه ۴) ذکر شده است. این آیه چگونه می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی به ما کمک کند؟	ص ۱۰۱
حاج‌آقا تأکید کرد که هدف نماز «**یاد خدا و آرامش روح** »است (با استناد به آیات ۱۴ سوره طه و ۲۸ سوره رعد)، در حالی که هدف ورزش «**سلامت جسم** »است. بنابراین نماز یک عبادت قلبی و روحی است، نه یک ورزش بدنی.	**تفکیک مفهوم :**حاج‌آقا در پاسخ به دانش‌آموز که نماز را با ورزش مقایسه کرده، چه تفاوت بنیادینی بین این دو بیان کرد؟	ص ۱۰۴
امام صادق(ع) فرمود: «رکوع، نشانهٔ تواضع در پیشگاه خداست و ذکر «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ ...» بیانگر تنزیه و ستایش پروردگار است.» این حدیث نشان می‌دهد رکوع تنها یک حرکت فیزیکی نیست، بلکه **تجسم ادب و بندگی** در برابر خداوند است.	**تفسیر حدیث :**امام صادق(ع) دربارهٔ رکوع چه فرمودند؟ و این بیان چگونه به درک ما از فلسفهٔ رکوع کمک می‌کند؟	ص ۱۰۶
اگر **سهواً** باشد، نماز صحیح است؛ زیرا شرط اصلی آرامش بدن در حال گفتن ذکر است و اگر سهواً بلند شود، قصد تخلف نداشته است. اما باید دوباره به حالت رکوع بازگردد و ذکر را در حالت آرامش کامل بگوید.	**تشخیص حکم :**طبق توضیح درس، اگر نمازگزار در حال گفتن ذکر رکوع، سهواً بلند شود (پیش از اتمام ذکر)، حکم نماز چیست؟	ص ۱۰۸
این نمایش اهمیت **آرامش و طمأنینه** در نماز را نشان می‌دهد. نمازگزار باید در هر رکن (مانند رکوع) کاملاً آرام باشد و ذکر را در همان حالت بگوید؛ شتاب‌زدگی و حرکت‌های اضافی، روح نماز را از بین می‌برد.	**کاربرد عملی :**در بخش «تمرین با همسالان»، موقعیت چهارم (بلند شدن در حال گفتن ذکر رکوع) را اگر به صورت نمایش اجرا کنید، چه نکتهٔ آموزشی مهمی را می‌توانید به همکلاسی‌ها منتقل کنید؟	ص ۱۱۱

این سؤالات به جنبه‌های دیگری از درس مانند **آیات قرآن**، **احادیث**، **تحلیل رفتارهای اخلاق** و **تفکیک مفاهیم** می‌پردازد که می‌تواند در ارزیابی عمیق‌تر دانش‌آموزان مفید باشد.

سوالات تکمیلی از متن درس هفتم (با تأکید بر آیات قرآن و نکات ریز):

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

پاسخ کلیدی	سؤال	صفحه
سوره کهف) .آیه ۱۷: «وَ تَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَ إِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ(«...	**دانش :**در متن درس، آیه‌ای از قرآن دربارهٔ غار اصحاب کهف آمده است. این آیه در کدام سوره قرآن قرار دارد؟	ص ۹۹
یعنی خداوند با **لطف و تدبیر خود** آنها را به سوی این پناهگاه امن و مناسب **راهنمایی** کرد، نه اینکه تصادفی باشد.	**درک و فهم :**بشیر گفت: «آمدن آنها به این غار، به هدایت الهی بود.» منظور از «هدایت الهی» در این جمله چیست؟	ص ۹۹
با اصل **عدالت و انصاف**، حتی با دشمن (جَورُوا مَن شَئتُم تَرضَوا). همچنین **حفظ آبروی مؤمن** حتی در حالت ناخوشایندی.	**تحلیل :**راوی در پاسخ به بچه‌هایی که او را مسخره کردند، گفت: «هنر آن است حتی به کسی که از او دل خوشی نداری، نسبت ناروا ندهی...» این جمله با کدام اصل اخلاق در اسلام هماهنگ است؟	ص ۱۰۱
هر دو معنا را دارد :**علم خدا** (از تمام اعمال ما آگاه است) و **نصرت و یاری او** (در شرایط سخت، کمک‌کار ماست). در این درس، بر جنبهٔ **یاری و پشتیبانی** تأکید شده است.	**تفسیر آیه :**آیه ﴿هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ﴾ در پایان درس، فقط به معنای «دانستن» خدا است یا «یاری رساندن» او نیز هست؟ توضیح دهید.	ص ۱۰۱
آیه ۱۴ سوره طه» :إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ ... أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي». یاد خدا یعنی **احساس حضور در پیشگاه او، مناجات قلبی و توجه از غفلت** که منجر به آرامش می‌شود.	**ارزیابی :**حاج‌آقا گفت: «خدا گفته: نماز را به‌پا دار برای یاد کردن از من.» این جمله اشاره به کدام آیه قرآن دارد؟ مفهوم «یاد کردن از خدا» در نماز چیست؟	ص ۱۰۴
زیرا **فایدهٔ جسمانی** نماز (مانند ورزش) یک **اثر جنبی** است، اما **هدف اصلی** نماز، عبادت و یاد خداست. اگر کسی فقط به فایده جسمانی بیندیشد، نماز را **به ورزش تقلیل داده** است.	**تحلیل :**دانش‌آموزی گفت: «مگر نمی‌گویند رکوع و سجده مثل ورزش برای مسلمانان است؟» این گفته **ناقص** است. چرا؟	ص ۱۰۴
رکوع نشانهٔ **تواضع در پیشگاه خدا** است. ذکر رکوع («سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ...») بیانگر **تنزیه و ستایش پروردگار بزرگ** است.	**دانش :**به گفته امام صادق(ع)، رکوع نشانهٔ چیست و ذکر رکوع بیانگر چه مفهومی است؟ (با استناد به متن درس)	ص ۱۰۶
باطل است، زیرا گفتن ذکر رکوع (در حال آرامش) از **ارکان نماز** است و ترک عمدی آن باعث بطلان نماز می‌شود.	**کاربرد :**طبق حکم داده شده در درس، اگر نمازگزار در رکوع **عمداً** ذکر نگوید، حکم نماز چیست؟	ص ۱۰۸
مثلاً: «مسابقهٔ تشخیص صحیح/باطل»: هر گروه کارت موقعیت‌های مختلف نماز را می‌کشد و باید با دلیل فقهی پاسخ دهد. گروه برنده امتیاز می‌گیرد.	**آفرینش :**شما به عنوان یک معلم، چگونه می‌توانید بخش «تمرین با همسالان» را به یک بازی آموزشی جذاب تبدیل کنید؟ (یک ایده خلاقانه بدهید)	ص ۱۱۱

د: فعالیت پیشنهادی برای تدریس این بخش

۱ .**نمایش موقعیت‌های اخلاق :**از دانش‌آموزان بخواهید صحنه‌های مقاومت در برابر فشار گروهی (مثل مسخره کردن معلم یا تماشای فیلم نامناسب) را به صورت نقش‌آفرینی اجرا کنند.

۲ .**بحث کلاسی» :**اگر جای راوی بودید، در موقعیت فیلم دیدن دوستان چه می‌کردید؟» (بحث گروهی با استدلال‌های کتاب).

۳ .**کارگاه احکام :**با استفاده از بخش «تمرین با همسالان» (ص ۱۱۱)، دانش‌آموزان به صورت عملی حکم نمازهای مختلف را بررسی کنند.

۴ .**پیوند با زندگی :**از دانش‌آموزان بخواهید نمونه‌ای از «تدبیر خدا» یا «همراهی خدا» را در زندگی شخصی خود بیان کنند (مانند موفقیت در یک موقعیت سخت

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس



۱- آمدن تملیخا و دوستانش (اصحاب کهف) به غار نشانه چیست؟

با هدایت إلهی

۲- چرا آمدن تملیخا و دوستانش (اصحاب کهف) به غار به هدایت إلهی بود؟

تملیخا و دوستانش طوری در غار روی سنگ‌ها خوابیده بودند که گویی در کاخ روی تختخوابی نرم دراز کشیده‌اند و زیر سرشان بالشی از پَر قوست.

بشیر گفت: «آمدن آنها به این غار، به هدایت الهی بود. چون بناست برای مدتی طولانی در غار بمانند، پس باید نور کافی دریافت کنند؛ بدن انسان برای سالم ماندن نیازمند نور است.

به توصیف خدا دربارهٔ غار و تدبیرش در این‌باره توجه کن:

۳- خداوند در قرآن درباره ی غار اصحاب کهف و تدبیرش در این زمینه چه می فرماید؟

وَ تَرَى الشَّمسَ إذا طَلَعَت تَزاوَرُ عَن كَهفِهِم ذاتَ اليَمينِ وَ إذا غَرَبَت تَقرِضُهُم ذاتَ الشِّمالِ...

و [اگر آنجا بودی] خورشید را می‌دیدی که هنگام طلوع، به سمت راست غارشان متمایل می‌گردد و هنگام غروب، به سمت چپ[۱]...

اینکه آنها پس از یک دورهٔ پرمخاطره، با راهنمایی خدا به چنین غاری رسیدند، از نشانه‌های خداست.»

گفتم: «نشانهٔ خداست، یعنی چه؟»

گفت: «یعنی اندیشیدن دربارهٔ آن، تو را به یاد خدا می‌اندازد و ایمانت را به او زیاد می‌کند.»

٤- اینکه اصحاب کهف پس از یک دورهٔ پرمخاطره، با راهنمایی خدا به غاری رسیدند، از نشانه های خداست، یعنی چه ؟

ایستگاه تفکر

با دقت در تدبیر خدا دربارهٔ تملیخا و دوستانش به چه صفاتی از خداوند پی می‌بریم؟

پاسخ : ۱- هدایتگری ۲- علم و آگاهی ۳- تدبیر و حکمت ٤- لطف و رحمت

۱- سوره کهف آیه ۱۷

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أَنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

پاسخ:

با توجه به تدبیر خداوند در هدایت تملیخا و دوستانش به غار و شرایط خاص آن، می‌توان به این **صفات الهی** پی برد:

۱. **حَکیم (دانا و مدبر):**
خداوند غاری را انتخاب کرد که نور خورشید به‌گونه‌ای به آن می‌تابید که هم نیاز بدن به نور تأمین شود و هم مخفی‌گاهشان آشکار نگردد. این نشان از **تدبیر و حکمت** دقیق او دارد.

۲. **هَادٍ (هدایت‌کننده):**
در اوج خطر، خداوند آنها را به سمت این پناهگاه امن **هدایت** کرد. این نشان می‌دهد خداوند در شرایط سخت، راه نجات را نشان می‌دهد.

۳. **رَحِیم (مهربان):**
خداوند نه تنها جان آنها را حفظ کرد، بلکه **آسایش و آرامش** نیز برایشان فراهم نمود؛ طوری که روی سنگ‌ها می‌خوابیدند اما گویی روی بستری نرم آرمیده‌اند. این نشانه **لطف و رحمت** ویژه اوست.

٤. **قَادِر (تو انا):**
تنظیم شرایط طبیعی (مانند تابش خورشید) و محافظت از آنها در طول سال‌های طولانی، نشان از **قدرت مطلق** خداوند بر همه چیز دارد.

٥. **سَمِیعٌ بَصِیرٌ (شنوا و بینا):**
خداوند دعا و نیاز آنها را شنید و بهترین راه حل را با بینایی کامل نسبت به گذشته و آینده، برایشان مقدر کرد.

نتیجه‌گیری برای دانش‌آموزان:

از این داستان می‌آموزیم که خداوند **حکیم**، **هدایت‌کننده**، **مهربان**، **تو انا و آگاه** است و در هر شرایطی می‌توان با **توکل** بر او، از سختی‌ها عبور کرد.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۵- اگر انسان بدون کمک خدا، تدبیر زندگی اش را بر عهده بگیرد، چرا مرتکب اشتباه می شود؟

گفتم: «با فکر کردن به هر کدام از این نکته‌ها بیشتر به این نتیجه می‌رسم که روی زندگی اصحاب کهف پیش از اینها باید دقت کنم تا مثل آنها با دلی آرام تدبیرم را به خدا بسپارم.»

بشیر گفت: «اگر خوب بیندیشی، به این نتیجه می‌رسی که واگذار کردن تدبیر به دست خدا سخت نیست. اتفاقاً به دست گرفتن تدبیر زندگی بدون خدا سخت است.»

حرف بشیر برایم عجیب بود؛ اما وقتی توضیح داد، منظورش را متوجه شدم:

ــ انسان اگر بخواهد خودش تدبیر زندگی‌اش را به دست بگیرد، به چند دلیل مرتکب اشتباه خواهد شد. دو تا از مهم:

۶- چرا انسان شناخت دقیقی از همه نیازهای خود ندارد؟

جواب سؤال ۵

۱ــ او شناخت دقیقی از همهٔ نیازهای خود ندارد. چون انسان، تنها جسم و ماده نیست؛ نیازهای روحی و معنوی نیز دارد. انسان با پیشرفت دانش می‌فهمد که حتی نسبت به نیازهای جسمی خودش هم آگاهی کافی نداشته، چه رسد به نیازهای روحی و معنوی‌اش.

۲ــ آگاهی کافی برای تشخیص همهٔ آنچه به صلاح اوست، ندارد. گاهی خیال می‌کند بعضی کارها به صلاح او هستند، اما بعداً می‌فهمد برایش خوب نبوده‌اند. برعکس، گاهی خیال می‌کند بعضی کارها برایش خوب نیستند، اما بعداً می‌فهمد به صلاحش بوده‌اند. این «بعداً» ممکن است در دنیا باشد یا آخرت.

حرف بشیر به اینجا که رسید، پرسید: «می‌دانی اگر انسان این دو دلیل را بپذیرد، چه تصمیمی می‌گیرد؟»

گفتم: «معلوم است، تدبیر زندگی‌اش را به خدایی می‌سپارد که از این دو موضوع آگاه است.»

بعد هم سؤالی را که ذهنم را مشغول کرده بود، پرسیدم: «یعنی خود ما نباید هیچ تصمیمی برای زندگی‌مان بگیریم؟»

۷- این که تدبیر زندگی را به خدا بسپاریم یعنی خودمان نباید هیچ تصمیمی برای زندگی مان بگیریم؟

بشیر گفت: «تو برای زندگی‌ات تصمیم بگیر، اما تصمیم‌های تو نباید از دایرهٔ دستورات الهی یا همان دین خدا خارج باشد؛ یعنی هر تصمیمی خواستی بگیری، باید ببینی با آنچه خدا در دین گفته، سازگار است یا نه.»

ایستگاه تفکر

ادامهٔ جملهٔ زیر را با کمک هم‌گروهی های خود بنویسید.

(جمله‌های زیبای خود را در کلاس بازگو کنید. این کار را می‌توانید به صورت مسابقه اجرا نمایید.)

دین مانند نقشهٔ راه است، زیرا .....

به ما کمک می کند تا تصمیم هایی که برای زندگی می گیریم از دایره ی دستورات الٰهی خارج نباشد و با آن چه خدا گفته سازگار باشد.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أَنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۱. راه سعادت و خوشبختی و اقعی را در دنیا و آخرت، بدون گمراهی، به ما نشان می‌دهد.
۲. از چاله‌ها و پیچ‌های خطرناک زندگی (گناه، ظلم، ناامیدی) دورمان می‌کند و مسیر امن را مشخص می‌سازد.
۳. به سؤال‌های مهم زندگی (هدف از آفرینش، معنای زندگی، خوب و بد) پاسخ می‌دهد و ابهام ذهن را برطرف می‌کند.
٤. مانند یک نقشهٔ دقیق، راه برون‌رفت از مشکلات و چگونگی تصمیم‌گیری در موقعیت‌های سخت را آموزش می‌دهد.
٥. به انسان آرامش می‌بخشد؛ چرا که او را در مسیری مطمئن و حساب‌شده هدایت می‌کند و از سرگردانی نجات می‌دهد.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

به بشیر گفتم: «دوست دارم به زمان حال برگردم تا ببینم آیا می‌توانم به آموخته‌هایم عمل کنم یا نه. اما قبل از آن باید یک چیز را مرور کنم: بنده در شرایط مختلف باید تشخیص دهد چه کاری بندگی خداست و چه کاری خلاف بندگی خدا. بعد کاری را که بندگی خداست، انتخاب کند و

۸- اگر در جمع دوستان همکلاسی شما، درباره ی معلمی حرف های نادرستی به او نسبت دهند و یا مسخره اش کنند همراهی ، سکوت و اعتراض شما چه عواقبی دارد؟

بشیر از حرفم خوشش آمد و تشویقم کرد. در اوج ذوق‌زدگی، چشم باز کردم و دیدم وقت رفتن به مدرسه است. خدای من، برگشته بودم به زمان حال!

زود آماده شدم و راه افتادم. هوا سرد بود و باید مستقیم به کلاس می‌رفتیم. بچه‌ها دور هم جمع شده بودند و داشتند دربارهٔ یکی از معلم‌ها حرف می‌زدند. مسخره‌اش می‌کردند و حرف‌های نادرستی را به او نسبت می‌دادند. نوبت من بود که چیزی بگویم.

اگر با آنها همراه می‌شدم، در کار زشتشان شریک شده بودم. اگر سکوت می‌کردم، شاید نشان‌دهندهٔ تأیید کارشان بود. اگر هم اعتراض می‌کردم، مرا از جمعشان بیرون می‌کردند.

آنچه را در سرگذشت تملیخا و دوستانش دیده بودم، در لحظه‌ای از نظرم گذراندم. سپس مثل

۹- برای دفاع از معلمی که در جمع دوستان مورد تمسخر قرار می گیرد با توجه به داستان اصحاب کهف چه پاسخی به آن ها می دهید؟

ـ به نظرتان کار درستی‌ست معلمی را که برایمان زحمت کشیده، مسخره کنیم و چیزهایی به او نسبت دهیم که حقیقت ندارد؟ اگر کسی پشت‌سر شما همین کار را انجام بدهد، خوشتان می‌آید؟

بچه‌ها این تغییر رفتار را در من باور نمی‌کردند. یکی‌شان با لحن تمسخرآمیزی گفت:

«التماس دعا!» بقیه هم از شدت خنده منفجر شدند.

۱۰- آیا سخت گیری معلم ، دلیلی می شود تا مورد بی احترامی یا تمسخر دانش آموزان قرار بگیرد؟ چگونه از معلمتان دفاع می کنید؟

یکی گفت: «تقصیر

گفتم: «اولاً سخت‌گیری معلم به نفع خودمان است. ثانیاً اگر سخت‌گیر نبود و دربارهٔ او این حرف‌ها را می‌زدیم که دیگر خیلی وضعمان خراب بود. هنر آن است حتی به کسی که از او دلِ خوشی نداری، نسبت ناروا ندهی و مسخره‌اش نکنی.»

من در آن جمع، تنها بودم؛ اما راستش تنهایی شیرینی بود، چون احساس می‌کردم خدا با من است. معلم آمد و همه از جا بلند شدند. زیر لب خدا را شکر کردم که توانسته بودم بدون ترس از دیگران، حرف حقی را بر زبان بیاورم.

کلاس تمام‌شد و زنگ تفریح خورد. چون هوا خیلی سرد بود، ترجیح دادم مثل خیلی از بچه‌های دیگر در کلاس بمانم. بچه‌ها در گوشه‌ای از کلاس حلقه زده بودند. یکی‌شان صدایم زد. جلو رفتم. همه چشمشان به صفحهٔ تلفن همراهی بود که یکی از بچه‌ها مخفیانه به مدرسه آورده بود. او می‌گفت دیشب صحنه‌هایی از چند فیلم را پیدا کرده و می‌خواست به بقیه نشان دهد.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

۱۱- وقتی بین «همراهی با جمع نادرست» و «ایستادگی تنها برای حق» قرار می‌گیرید، چه احساسی دارید؟ چرا ؟

جواب: احساس شیرینی دارم زیرا با اعتماد به خدا آگاهانه تنهایی همراه با خدا را انتخاب می کنم و احساس می کنم خدا با من است.

[illegible] می‌کردم؛ می‌خندیدم و شوخی می‌کردم و یا احساس می‌کردم برای جمع [illegible] می‌شدم؟ ماندن درست نبود؛ اما رفتن هم هزینه داشت. به خدایی که در سرگذشت تملیخا و دوستانش شناخته بودم، فکر کردم. تصمیم خودم را گرفتم. از جمع کنار کشیدم. بچه‌ها تعجب کردند. یکی از آنها گفت: «شورَش را درآورده‌ای. اینکه دیگر پشت‌سر کسی حرف زدن نیست. می خواهیم فیلم ببینیم.»

۱۲- اگر دوستان شما در مدرسه مخفیانه فیلم ببینند ، با چه استدلال هایی آن ها را از این کار منع می کنید و از جمع کنار می کشید؟

گفتم: «اول اینکه مدرسه قانون دارد. الان حتی اگر فیلم خانهٔ خدا را هم نشان بدهی، درست نیست. دوم این که اگر کسی با دیدن این فیلم‌ها منحرف شد و به گناه افتاد، چه کسی پاسخگوست؟ سوم اینکه آیا خدا راضی‌ست من با چشمی که او عطا کرده، به این طور صحنه‌ها نگاه کنم؟»

بعضی‌ها مسخره‌ام کردند و بعضی‌ها به فکر فرو رفتند. چند نفری هم از جمع جدا شدند. آن چند نفر را به گوشه‌ای بردم تا سرگذشت تملیخا و دوستانش را برایشان تعریف کنم.

تلنگر

گفتم: تنهایی بد دردی است!

گفت: به نظرم تنهایی، یک انتخاب است. تو می‌توانی آن را انتخاب نکنی.

گفتم: وقتی دیگران تنهایم می‌گذارند، چه انتخابی؟

گفت: یکی هست که همیشه با توست. این تویی که باید انتخاب کنی با او باشی یا نه.

گفتم: چه کسی؟

گفت: اگر بگویم قول می‌دهی که به آن فکر کنی و نگویی حرف‌های شعاری نزن؟

گفتم: قول می‌دهم.

گفت: قرآن دربارهٔ خدا می‌گوید: «هُوَ مَعَكُم أَينَ ما كُنتُم وَ اللهُ بِما تَعمَلُونَ بَصيرٌ؛ او با شماست هر جا که باشید و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.»[۱]

۱ـ سورهٔ حدید، آیهٔ ۴

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أَنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

ارتباط «تلنگر» با موضوع درس «اعتماد به خدا:«

۱. **تبدیل احساس تنهایی به یک انتخاب آگاهانه:**
در «تلنگر»، گفت‌وگو از این شروع می‌شود که «تنهایی بد دردی است!» و پاسخ می‌آید: «به نظرم تنهایی، یک **انتخاب** است.» این نگاه، مسئله را از یک احساس منفعلانه به یک **تصمیم فعال** تبدیل می‌کند. اعتماد به خدا در عمل به این معناست که وقتی بین «همراهی با جمع نادرست» و «ایستادگی تنها برای حق» قرار می‌گیری، **آگاهانه** تنهاییِ همراه با خدا را انتخاب کنی.

۲. **یادآوری حضور همیشگی خدا:**
پاسخ نهایی در تلنگر، آیه ﴿هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ﴾ است. این آیه **پایه عینی اعتماد به خدا** را نشان می‌دهد. اعتماد زمانی معنا دارد که بدانی کسی هست که می‌بیند، می‌شنود و همراهت است. این آیه، ترس از طرد شدن توسط دیگران را با اطمینان از همراهی خدا خنثی می‌کند.

۳. **پل زدن بین داستان کهف و زندگی نوجوان:**
داستان تملیخا و دوستانش در غار، یک الگوی تاریخی از «تنهایی همراه با خدا» است. «تلنگر» این الگو را به زبان امروزی و موقعیت‌های مدرسه‌ای (مثل مورد مسخره کردن معلم یا فیلم دیدن) ترجمه می‌کند و می‌گوید :**اصل ماجرا تغییر نکرده است؛ تو هم می‌توانی در غار تنهاییات، با تکیه بر همان خدا، آرام و استوار باشی.**

٤. **تغییر نگاه به مفهوم «تنهایی:«**
درس تاکید می‌کند که این تنهایی، یک »**تنهایی شیرین** «است. تلنگر توضیح می‌دهد چرا شیرین است: چون در حقیقت این یک تنهایی **و اقعی** نیست، بلکه **انتخاب یک همراهی برتر(خدا)** است.

سؤال طراحی شده از بخش «تلنگر» با پاسخ:

سؤال (تشریحی/تحلیلی):
در بخش «تلنگر» پایان درس، گفت‌وگو از این جمله شروع می‌شود: «تنهایی بد دردی است!» و با این آیه پایان می‌یابد: «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ.«

- این گفت‌وگو چگونه می‌خواهد **نگاه دانش‌آموز را به مفهوم «تنهایی» تغییر دهد** و آن را به **موتور محرکه اعتماد به خدا** تبدیل کند؟
- به عبارت دیگر، چگونه این نگرش جدید به راوی کمک کرد تا در دو موقعیت اصلی داستان (دفاع از معلم و مقاومت در برابر فیلم نامناسب) شجاعانه عمل کند؟

پاسخ کلیدی/الگوی تحلیلی:
بخش «تلنگر» با **بازتعریف مفهوم تنهایی**، آن را از یک وضعیت **منفی و تحمیلی** به یک **موقعیت انتخابی و مثبت** تبدیل می‌کند. این تغییر نگاه، هسته اصلی اعتماد به خدا را شکل می‌دهد:
۱ .**تنهایی به مثابه انتخاب :**وقتی فرد بداند می‌تواند در پیشگاه خدا، «تنها نبودن» را انتخاب کند، از ترس طرد شدن رها می‌شود. این انتخاب، فعال و آگاهانه است، نه منفعل.
۲ .**از احساس به یقین :**آیه ﴿هُوَ مَعَكُمْ...﴾ این انتخاب را بر پایه **یقین به حضور دائمی خدا** استوار می‌سازد. بنابراین اعتماد به خدا بر پایه یک واقعیت (حضور خدا) و یک انتخاب آگاهانه (تکیه بر این حضور) بنا می‌شود.
۳ .**کاربرد در زندگی راوی :**راوی در هر دو موقعیت، هنگامی که با فشار جمع مواجه شد، به جای تمرکز بر «تعداد افراد»، بر »**کیفیت**

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

همراه «تمرکز کرد. او با یادآوری این اصل که «خدا با اوست»، احساس تنهاییِ ناشی از مخالفت با جمع را به احساس **اتصال به منبع قدرتی بی‌پایان** تبدیل کرد. در نتیجه، شجاعت او نه از نفی ترس، بلکه از **جایگزینی ترس ازمردم با اطمینان به خدا** سرچشمه گرفت. به این ترتیب، «تلنگر» کلید تبدیل آموزه نظری اعتماد به خدا به یک **راهبرد عملی و روان‌شناختی** در مواجهه با چالش‌های اجتماعی بود.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

خودسنجی

راوی داستان با راهنمایی های بشیر توانست به درس هایی که تاکنون از داستان تملیخا و دوستانش گرفته، در زندگی خود عمل کند. آیا شما هم در این راه موفق عمل می کنید؟

زیاد ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ کم

سخنی با والدین

پدر و مادر گرامی!
محبت گفتاری به فرزندان، محبت بی‌هزینه‌ای است؛ آیا بی‌هزینه بودن نشانهٔ کم‌فایده بودن است؟



دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

مناجات

مدیون تو هستم

وَ لَو لا إحسانُکَ إلَیَّ
خدای من! اگر لطف و احسانت نبود،
وَ سُیوغُ نَعمائِکَ عَلَیَّ
و باران نعمت‌هایت تا به این اندازه بر سرم نمی‌بارید،
ما بَلَغتُ إحرازَ حَظّی
نمی‌توانستم از فرصتی که در این دنیا به من داده‌ای، بهره‌مند شوم،
وَ لا إصلاحَ نَفسی.
و از آن برای اصلاح کردن خودم استفاده کنم.

بخشی از دعای پنجاه و یکم صحیفهٔ سجادیه

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳



قصه: مأموریت موریانه‌ها

سالانه به تعداد مسلمان‌ها اضافه می‌شد و ندای اسلام به گوش افراد بیشتری می‌رسید. دعوت پیامبر خدا ﷺ چنان بر دل‌ها اثر گذاشته بود که مردم دست از بت‌پرستی برمی‌داشتند و دسته‌دسته به مسلمانان می‌پیوستند. بزرگان قریش هر نقشه‌ای می‌کشیدند تا از انتشار اسلام جلوگیری کنند، با شکست روبه‌رو می‌شدند. حتی شکنجه‌های زجرآور هم باعث نمی‌شد مسلمانان دست از دین اسلام بردارند.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

در سال هفتم بعثت، کاسهٔ صبر بزرگان قریش لبریز شد. درنتیجه، باهم قرار گذاشتند رسول خدا ﷺ را به قتل برسانند. آنها برای رسیدن به این هدف، جلسه‌ای با موضوع جلوگیری از پیشرفت اسلام برگزار کردند. نتیجهٔ جلسه، پیمان‌نامه‌ای شد که سه بند اساسی داشت:

۱ هیچ‌کس حق خریدوفروش و همسفره شدن با بنی‌هاشم (خاندان رسول خدا ﷺ) را ندارد.

۲ هیچ‌کس حق ازدواج با بنی‌هاشم و رفت‌وآمد با آنها را ندارد.

۳ این محدودیت‌ها تا زمانی‌ست که بنی‌هاشم، محمد را تسلیم ما کنند و ما او را بکُشیم.

بسیاری از بزرگان قریش پیمان‌نامه را امضا کردند. سپس آن را در صندوقچه‌ای گذاشتند و به دیوار کعبه آویختند.

ابوطالب، پدر امیر مؤمنان علی ؑ و عموی پیامبر خدا ﷺ، بزرگ‌ترین مدافع ایشان بود. وقتی از این نقشه باخبر شد، بنی‌هاشم را جمع کرد و باهم تصمیم گرفتند برای حفظ جان رسول خدا ﷺ در شِعب ابی‌طالب[1] پناه بگیرند.

از یک‌سو، ابوطالب شب‌ها در ورودی شعب، نگهبان می‌گذاشت و مرتب جای خواب پیامبر ﷺ را عوض می‌کرد تا نکند کسی مخفیانه بیاید و ایشان را بکُشد. از دیگرسو، بزرگان قریش نگهبان گذاشته بودند تا مبادا کسی برای مسلمانان آذوقه و غذا ببرد.

روزگار به‌سختی می‌گذشت. گریهٔ بچه‌ها از گرسنگی بلند شده بود. سرمای زمستان یک جور و گرمای تابستان جوری دیگر مسلمانان را آزار می‌داد. آنها به‌زحمت مواد غذایی را به دست می‌آوردند. اگر هم می‌توانستند مخفیانه چیزی تهیه کنند، باید مبلغ زیادی برایش پرداخت می‌کردند، چون کمتر کسی حاضر می‌شد با قیمت معقول و واقعی چیزی به آنها بفروشد. آن روزگار، حضرت خدیجه ؑ و ابوطالب هرچه ثروت داشتند، خرج مسلمانان کردند.

وقتی بزرگان قریش دیدند موفق به کشتن رسول خدا ﷺ نمی‌شوند، به ابوطالب پیغام دادند که اگر محمد را به ما تحویل بدهی، سروری قریش را به تو می‌دهیم. ابوطالب نه‌تنها این پیشنهاد را نپذیرفت، بلکه امید مشرکان را هم با پاسخ محکمش ناامید کرد.

سال اول به پایان رسید و مسلمانان در محاصرهٔ اقتصادی بودند. سال دوم، وضعیت دشوارتر شد. دشواری در سال سوم به اوج رسید و مسلمانان همچنان مقاومت کردند.

بزرگان قریش فکرش را هم نمی‌کردند پیروان محمد بتوانند در برابر این همه سختی، سه سال

۱ــ مکه سرزمینی کوهستانی است و در آن زمان، برخی از قبایل در دره‌ها زندگی می‌کردند. به این دره‌ها «شِعب» می‌گفتند. شاید یکی از دلایل نام‌گذاری آن دره به «شعب ابی‌طالب» این بوده که ابوطالب بزرگ خاندان بنی‌هاشم بود.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

دوام بیاورند. از طرفی، پیامبر خدا ﷺ و مسلمانان یقین داشتند روزی یاری خدا خواهد رسید و همین، راز روحیهٔ بالای آنها در محاصرهٔ اقتصادی بود.

سرانجام آن روز رسید و جبرئیل بر پیامبر خدا ﷺ نازل شد و خبری آورد:

ــ ای رسول خدا! خداوند خبر داده موریانه‌ها پیمان‌نامهٔ بزرگان قریش را خورده و تنها نام خدا را که بالای آن نوشته شده بود، باقی گذاشته‌اند.

پیامبر خدا ﷺ عمویش ابوطالب را از این خبر آگاه کرد. ابوطالب هم بی‌درنگ به سوی مسجدالحرام رفت. بزرگان قریش آنجا مشغول حرف زدن بودند. همین‌که ابوطالب را دیدند، خندیدند و گفتند: «ابوطالب دیگر خسته شده؛ حتماً آمده برادرزاده‌اش را تسلیم ما کند و خلاص شود.»

وقتی ابوطالب نزدیک شد، به او گفتند: «فکر خوبی کرده‌ای که آمدی به جمع ما بپیوندی.»

ابوطالب اخم‌آلود گفت: «به‌خدا قسم برای این کار پیش شما نیامده‌ام! بلکه آمده‌ام بگویم خدا به برادرزاده‌ام خبر داده موریانه‌ها پیمان‌نامهٔ شما را خورده و تنها نام خدا را بر آن باقی گذاشته‌اند.»

بزرگان قریش با تعجب به یکدیگر نگاه کردند و بعد هم به ابوطالب که می‌گفت: «پیمان‌نامه را بیاورید و خودتان ببینید. اگر حرف برادرزاده‌ام درست بود، این تحریم ظالمانه را تمام کنید. اما اگر حرفش درست نبود، قول می‌دهم او را تسلیم شما کنم. در این صورت، هر تصمیمی دربارهٔ او بگیرید، من مخالفت نمی‌کنم؛ چه بخواهید او را بکشید و چه زنده نگهش دارید.»

بزرگان قریش که فکرش را نمی‌کردند خبر رسول خدا ﷺ درست باشد، حرف ابوطالب را پذیرفتند. به سراغ صندوقچه رفتند و درش را گشودند. در کمال ناباوری، همه دیدند از پیمان‌نامه چیزی باقی نمانده جز نام خدا.[1]

ابوطالب شادمان خدا را شکر کرد و به بزرگان قریش گفت: «پس دیگر تقوای الهی پیشه کنید و دست از تحریم مسلمانان بردارید.»

بزرگان قریش متعجب و متحیر، بدون اینکه چیزی بگویند، پراکنده شدند. ابوطالب هم به شعب برگشت و این خبر خوش را به مسلمانان داد. به این ترتیب، مسلمانان از محاصرهٔ اقتصادی نجات پیدا کردند و آزادانه در شهر مکه به زندگی پرداختند.[2]

۱ـ آنها خدا را قبول داشتند، اما به خدایان دیگری به‌عنوان شریک خدا نیز معتقد بودند. به همین دلیل به آنها مشرک می‌گوییم.

۲ـ إعلام الوریٰ بأعلام الهُدیٰ، ج۱، ص ۱۲۵.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

جدوَلانـــه

با توجه به راهنمایی‌های هر ستون، خانه‌های جدول را کامل کنید. سپس حروف ستون رنگی را کنار هم قرار دهید تا جملهٔ داده‌شده کامل گردد. جمله را یکی دو سطر ادامه دهید. این کار را می‌توانید به‌صورت مسابقهٔ گروهی انجام دهید.

۱	م	ق	ا	و	م	ت		
۲					خ	د	ا	
۳						ب	ع	ث	ت
۴						ی	ا	ر	ی
۵					ث	ر	و	ت	
۶						ا	ق	ت	ص	ا	د	ی
۷	ا	ب	و	ط	ا	ل	ب					
۸			ک	ع	ب	ه						
۹				أ	ب	ی	ط	ا	ل	ب		

۱ مسلمانان با ..... در مقابل آزار و اذیت بزرگان قریش از توحید دفاع کردند.

۲ موریانه‌ها همهٔ پیمان‌نامه را خورده بودند جز نام ..... را.

۳ در سال هفتم ..... کاسهٔ صبر بزرگان قریش لبریز شد.

۴ یقین به ..... خدا باعث روحیهٔ بالای مسلمانان در دل محاصرهٔ اقتصادی شد.

۵ حضرت خدیجه و ابوطالب با گذشتن از ..... خود، از توحید دفاع کردند.

۶ محاصرهٔ ..... تصمیم بزرگان قریش برای جلوگیری از پیشرفت اسلام بود.

۷ بزرگ‌ترین مدافع پیامبر ﷺ ..... بود.

۸ بزرگان قریش پیمان‌نامه را در ..... قرار دادند.

۹ بنی‌هاشم برای حفظ جان پیامبر ﷺ به شعب ..... پناه بردند.

مأموریت موریانه‌ها یک ..... بود. .....

.....

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

ارکان نماز را نام ببرید.

احکام: نماز و ورزش

۱- نیّت ۲- تکبیرة الإحرام ۳- قیام ٤- رکوع ٥- سجود

خواهرم سارا از مدرسه آمد و گفت: «وای؛ امروز مدرسه چه خبر بود!»

مادرم با کنجکاوی پرسید: «چه خبری؟»

سارا گفت: «حاج آقای محمدی آمده بود برای نماز.»

خواستم لجش را دربیاورم، گفتم: «اینکه چیز جدیدی نیست. دیروز هم به مدرسهٔ ما آمده بود.» سارا گفت: «بین حاج‌آقا و یکی از دانش‌آموزان بحثی در گرفت که برایم جذاب بود.»

بعد هم رو به من کرد و گفت: «دوست داری بدانی؟»

گفتم: «این‌طور که تو پرهیجان حرف می‌زنی، معلوم است که دوست دارم.»

سارا که به هدفش رسیده بود، گفت: «پس اول یک لیوان آب برایم بیاور.»

از زرنگ‌بازی‌اش خنده‌ام گرفت. تا سارا آب را خورد، برادرم مهدی هم آمد. سارا تعریف کرد:

ــ حاج‌آقا داشت دربارهٔ ارکان نماز حرف می‌زد. گفت رکوع هم از ارکان نماز است، یعنی...

سریع و با شیطنت گفتم: «یعنی اگر رکوع را عمداً یا از روی فراموشی به‌جا نیاوریم، یا در یک رکعت بیشتر از یک رکوع به‌جا بیاوریم، نمازمان باطل است.»

منظور از رکن بودن « رکوع » را بنویسید.

سارا گفت: «آرام‌تر؛ ما هم برسیم.»

و ادامه داد:

ــ بعد دربارهٔ ذکر رکوع گفت...

در رکوع چه ذکرهایی خوانده می شود؟

دوباره شیطنت من و قطع کردن حرفش:

ــ **سُبحانَ رَبّیَ العَظیمِ وَ بِحَمدِه**. یا سه بار **سُبحانَ‌الله**.[۱]

سارا که تیز نگاهم کرد، گفتم: «خب تقصیر خودت است؛ سریع برو سر اصل مطلب.»

سارا خواست لجم را درآورد، سرعت حرف زدنش را بالا برد:

ــ حاج‌آقا گفت برای رکوع واجب است به اندازه‌ای که دست‌ها به زانو برسد، خم شوید. هنگام گفتنِ ذکر باید بدنتان آرام باشد و تکان نخورید. تا قبل از تمام شدن کاملِ ذکر، بلند نشوید. وقتی بلند شدید، کامل بایستید، لحظه‌ای توقف کنید و بعد از آن به سجده بروید. به اندازهٔ کافی سریع بود؟

نحوه درست رکوع در نماز را بنویسید.

من و مادرم و مهدی به خنده افتادیم و سارا ادامه داد:

ــ بعد یکی بلند شد و گفت مگر نمی‌گویند رکوع و سجده مثل ورزش برای مسلمانان است؟

من خودم هر روز ورزش می‌کنم و اتفاقاً یکی از حرکت‌هایی که انجام می‌دهم شبیه رکوع است.

۱ــ به فتوای برخی از مراجع، گفتنِ هر ذکر که به اندازهٔ سه سبحان‌الله باشد نیز کافی‌ست؛ مثل گفتن سه بار الحمدلله.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

البته جوری خم می‌شوم که سرم می‌رسد به پایم و خیلی هم برایم خوب است. مربی‌ام گفته این حرکت برای مهره‌های کمر خوب است.

حاج‌آقا پرسید: «منظورتان چیست؟»

ــ خب من که ورزش می‌کنم، چرا باید نماز هم بخوانم؟

ــ چه کسی روش ورزش کردن را به شما گفته؟

دانش‌آموز مغرورانه گفت: «من تحت نظر مربی ورزش می‌کنم. مربی من مدرک بین‌المللی دارد. می‌داند برای هر قسمت از بدن چه حرکتی خوب است.»

ــ خب چه کسی به ما گفته نماز بخوانیم؟

توضیح دهید که چرا نمی شود نماز را به عنوان ورزش به جا آورد و یا بر عکس؟

ــ معلوم است دیگر؛ خدا.

ــ او گفته نماز بخوانیم برای چه؟ برای ورزش؟

دانش‌آموز سکوت کرد. حاج‌آقا کمی صبر کرد و بعد:

ــ خدا گفته: «نماز را به‌پا دار برای یاد کردن از من.»[۱] و خودش هم گفته: «تنها با یاد من است که دل‌ها آرامش می‌یابد.»[۲] بنابراین، یکی از دلایل اصلی نماز خواندن، رسیدن به آرامش است. البته همان‌طور که ورزش را باید با قاعده انجام داد تا مفید باشد، نماز را هم باید با همان شرایطی که خدا گفته خواند تا مایهٔ آرامش شود. پس دلیل نماز خواندن، ورزش نیست که شما بخواهید ورزش روزانه را به‌جای نمازها بگذارید.

یکی دیگر بلند شد و گفت: «قبول؛ ولی چه دلیلی دارد برای نماز این همه آداب رعایت کنیم؟»

حاج‌آقا پرسید: «بچه‌ها! کسی از شما هست که پدرش ارتشی باشد؟»

یکی از بچه‌ها دست بلند کرد و حاج‌آقا از او پرسید: «تا به حال رفتار پدرتان را با فرمانده‌اش دیده‌اید؟»

ــ پدرم باید به فرمانده‌اش احترام نظامی بگذارد؛ یعنی پا بکوبد و دست راستش را با شکل خاصی تا نزدیک گوشش ببرد.

ــ اگر کسی به‌جای آن شکل از احترام گذاشتن، مثلاً دستش را بگذارد روی سینه‌اش و به فرمانده بگوید من نوکر شما هستم، آیا از او قبول می‌کنند؟

دانش‌آموز خندید و گفت: «اگر این کار را کند، فرمانده جریمه‌اش می‌کند.»

۱ـ سوره طه، آیهٔ ۱۴.

۲ـ سوره رعد، آیهٔ ۲۸.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

چه دلیلی دارد نماز را با این همه آداب به جا آورد؟

حاج‌آقا رو به دانش‌آموزی که سؤال کرده بود، پرسید: «شما با این قوانین مشکلی ندارید؟»
دانش‌آموز گفت: «نه؛ اتفاقاً از نظم ارتشی‌ها خوشم هم می‌آید.»
حاج‌آقا گفت: «احترام گذاشتن در هر جایی آداب خاص خودش را دارد. ما هنگام نماز در پیشگاه خدایی ایستاده‌ایم که در توصیف نمی‌گنجد. او فرماندهٔ دنیاست. رکوع، ادبِ حضور در پیشگاه همین خداست. ما با خم شدن در برابر خدا، تواضع خودمان را به او نشان می‌دهیم. این را من نمی‌گویم، بلکه امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید[۱]. و چقدر زیباست که این تواضع را با این ذکر همراه می‌کنیم: **سُبحانَ رَبّیَ العَظیمِ وَ بِحَمده**؛ یعنی خدای مالک و تدبیرکننده و بزرگ من، از هر عیب و نقصی دور است و من مشغول سپاس و ستایش او هستم.»
بچه‌ها یک کف مرتب و طولانی برای حاج‌آقا زدند.

معنای ذکر رکوع را بنویسید.

سؤال: اگر کسی پیش از آنکه ذکر رکوع یا سجودش تمام شود، بلند شود و بقیهٔ ذکر را هنگام بلند شدن بگوید، چه حکمی دارد؟
جواب: نمازگزار ذکر رکوع و سجود را باید وقتی شروع کند که بدنش در حالت رکوع و سجود، آرام گرفته باشد و تا پایان ذکر هم باید بدنش آرام باشد. حالا اگر کسی پیش از آنکه ذکر رکوع یا سجود تمام شود، عمداً بلند شود، نمازش باطل است. اما اگر سهواً این کار را انجام دهد، اشکالی ندارد.

تمرین با همسالان

یک نفر از شما موقعیت‌های زیر را در کلاس به‌صورت نمایشی اجرا کند و سایر دانش‌آموزان نیز صحیح یا باطل بودن نماز را با ذکر دلیل بیان کنند.
موقعیت اول: نمازگزار به‌جای یک رکوع، دو رکوع انجام می‌دهد.
موقعیت دوم: نمازگزار رکوع را فراموش کرده و بعد از خواندن حمد و سوره، به سجده می‌رود.
موقعیت سوم: نمازگزار در حالت رکوع، آرام گرفته سپس ذکر آن را می‌گوید.
موقعیت چهارم: نمازگزار درحال گفتن ذکر رکوع، بلند می‌شود.

۱ـ مصباح‌الشریعة، ص ۸۹.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أَنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

موقعیت اول:

نمازگزار به جای یک رکوع، دو رکوع انجام می‌دهد.

حکم ✗ :نمازباطل است.

دلیل :زیرا رکوع از **ارکان نماز** است و اضافه کردن عمدی یا سهوی آن (انجام بیش از یک رکوع در یک رکعت) باعث بطلان نماز می‌شود (مطابق حکم ذکرشده در درس).

موقعیت دوم:

نمازگزار رکوع را فراموش کرده و بعد از خواندن حمد و سوره، به سجده می‌رود.

حکم ✗ :نمازباطل است.

دلیل :زیرا رکوع از **ارکان واجب نماز** است و اگر عمداً یا از روی فراموشی ترک شود، نماز باطل می‌شود (مطابق حکم صریح درس: «اگر رکوع را عمداً یا از روی فراموشی به جا نیاوریم، نمازمان باطل است»).

موقعیت سوم:

نمازگزار در حالت رکوع، آرام گرفته سپس ذکر آن را می‌گوید.

حکم ✓ :نمازصحیح است.

دلیل :زیرا شرط صحت رکوع این است که بدن در حالت رکوع **آرام گیرد** و ذکر در همین حالت آرامش گفته شود (مطابق تأکید درس: «برای رکوع واجب است... آرام باشد و تکان نخورید... ذکر را در حالت آرامش بگویید»).

موقعیت چهارم:

نمازگزار در حال گفتن ذکر رکوع، بلند می‌شود.

حکم ✗ :نمازباطل است (اگر عمدی باشد.)

دلیل :زیرا ذکر رکوع باید در حالتی که بدن **آرام و ثابت** است گفته شود و اگر نمازگزار عمداً قبل از پایان ذکر بلند شود، نماز باطل می‌شود (طبق حکم درس: «اگر کسی پیش از آنکه ذکر رکوع... تمام شود، عمداً بلند شود، نمازش باطل است»).

نکته :اگر این کار **سهواً** انجام شود، نماز صحیح است ولی باید توجه داشت که ذکر در حالت آرامش کامل ادا شود.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أَنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

خلاصه اصول استنباط از درس:

۱ .رکوع **رکن نماز** است؛ ترک یا اضافه کردن آن (بیش از یک بار در هر رکعت) باعث بطلان نماز می‌شود.

۲ .در رکوع باید بدن **آرام** باشد و ذکر در حالت آرامش گفته شود.

۳ .بلند شدن پیش از اتمام ذکر رکوع (اگر عمدی باشد) نماز را باطل می‌کند.

سؤالات پایان درس

۱- دین همان تدبیر خدا برای زندگی انسان‌هاست.

✓**درست**

توضیح: دین برنامه جامع الهی است که راه سعادت و زندگی متعادل را نشان می‌دهد.

۲- نشانه‌های حضور خدا در زندگی چیست؟

- **نظم و تدبیر در جهان** (مانند گردش منظم خورشید، فصل‌ها، سیستم بدن انسان.)
- **هدایت درونی** (وجدان اخلاق، فطرت خداجویی .)
- **پاسخ به دعاها** (گاه مشکلاتی که به ظاهر ناخوشایندند، در نهایت به صلاح انسان می‌شوند.)
- **آفرینش نشانه‌ها در طبیعت** (به عنوان مثال در داستان تمثیلی: تابش مناسب خورشید به غار.)
- **یاری رساندن به بندگان در شرایط سخت** (مانند داستان اصحاب کهف.)

۳- برخی گمان می‌کنند انسان، تنها با کمک عقل و اندیشه می‌تواند تدبیر زندگی‌اش را به دست گیرد و نیازی به برنامهٔ زندگی از سوی خدا ندارد. شما با این نظر موافق هستید؟ دلایل خود را بنویسید.

خیر، موافق نیستم.

دلایل:

۱ .عقل انسان **محدود** است؛ نمی‌تواند همه پیامدهای کارها و تمام ابعاد سعادت را درک کند.

۲ .عقل ممکن است تحت تأثیر هواهای نفسانی، محیط یا جهل قرار گیرد.

۳ .خداوند به عنوان خالق انسان، از همه نیازهای مادی و معنوی او آگاه است؛ بنابراین برنامهٔ او (دین) کامل‌تر و مطمئن‌تر است.

۴ .مثال از درس: در داستان تمثیلی، عقل مستقیم ممکن است غار را محل مناسبی نداند، اما تدبیر خدا آن را به بهترین پناهگاه تبدیل کرد.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

۴- منظور از سپردن تدبیر زندگی به دست خدا چیست؟ همراه با مثال بنویسید.

منظور این است که انسان در انتخاب‌ها و مواجهه با مشکلات، **توکل** کند و با اعتماد به خدایی که عالم و حکیم است، بهترین تصمیم را بگیرد و نتیجه را به او واگذارد.

مثال:

دانش‌آموزی که برای کنکور تلاش می‌کند اما نتیجه را به خدا وا می‌گذارد و در صورت عدم موفقیت، ناامید نمی‌شود زیرا باور دارد خداوند صلاح او را بهتر می‌داند (مانند لغو اردو به خاطر باران که ممکن است جلو یک حادثه را گرفته باشد).

۵- دریک روز بارانی اردوی دانش‌آموزی لغو شد و همهٔ بچه‌ها ناراحت شدند. اگر در این موقعیت بودید، چطور این اتفاق را با تدبیر الهی برای آنان توضیح می‌دادید؟

می‌گفتم: «دوستان! ممکن است امروز ناراحت باشیم، اما باران و لغو اردو می‌تواند **خیر و مصلحتی** داشته باشد که الآن نمی‌بینیم. شاید در مسیر حادثه‌ای پیش می‌آمد، یا شاید این فرصت پیش آمد تا کار مهم‌تری در خانه انجام دهیم. خداوند که دانا و مهربان است، گاهی چیزهایی را که دوست داریم، به خاطر چیزی بهتر از ما دریغ می‌کند. پس به تدبیر او اعتماد کنیم».

۶- جواد به همراه دوستانش مشغول بازی بودند که با پرتاب توپشان، یکی از شیشه‌های همسایه شکست. آنها از روی ترس می‌خواستند تقصیر را به گردن یکی از بچه‌های بی‌زبان محله بیندازند. لطفاً به جواد کمک کنید و یک تصمیم درست به او پیشنهاد دهید تا از دایرهٔ بندگی خارج نشود.

« جواد عزیز، یک بندهٔ واقعی خدا همیشه **مسئولیت‌پذیر** و **راستگو** است. بهترین کار این است که همراه دوستانت نزد همسایه بروید، عذرخواهی صادقانه کنید و قول دهید خسارت را جبران کنید. این کار گرچه سخت است، اما مورد رضایت خداست و احترام همسایه را نیز حفظ می‌کند. دروغ و تهمت، انسان را از بندگی خدا دور می‌کند. »

۷- در داستان زیر نشانه‌های خدا را بیابید و بنویسید.

۱. **نجات از کشتی شکسته** ⟵ حفظ جان انسان در خطر.

۲. **وجود جزیره دور افتاده** ⟵ فراهم کردن محل امن نسبی پس از حادثه.

۳. **آتش گرفتن کلبه توسط صاعقه** ⟵ ممکن است به ظاهر بد باشد، اما **خود آتش و دودش** وسیله‌ای برای نجات نهایی او شد (علامت دادن به کشتی).

۴. **رسیدن کشتی در زمان مناسب** ⟵ نظم و تدبیر در رسیدن کمک.

نتیجه : گاهی خداوند از راه‌هایی که فکر نمی‌کنیم، مشکل را حل می‌کند؛ نشانه‌های او همیشه در جزئیات زندگی حاضر است.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

۸- معنای ذکر رکوع را بنویسید.

سُبحانَ رَبّیَ العَظیمِ وَ بِحَمدِه

ترجمه : « منزّه است پروردگار بزرگم، و او را ستایش می‌کنم. »

توضیح : این ذکر بیان می‌کند که خداوند از هر نقص و نیازی پاک است و بزرگی و ستایش تنها شایستهٔ اوست.

بسته کامل سؤالات ارزیابی از درس هفتم (صفحات ۱۱۱-۹۹)

الف) سؤالات صحیح و غلط (۴ مورد)

۱. راوی داستان، پس از دیدن سرگذشت تملیخا، در دو موقعیت واقعی شجاعت اخلاق از خود نشان می‌دهد. (ص ۱۰۱-۱۰۰)

- **پاسخ: صحیح**

۲. هدف اصلی نماز، حفظ سلامت جسم و همانند یک ورزش روزانه است. (ص ۱۰۵-۱۰۴)

- **پاسخ: غلط** (هدف اصلی نماز، یاد خدا و رسیدن به آرامش است.)

۳. اگر نمازگزار در حالت رکوع بدنش آرام نگیرد، اما ذکر را کامل بگوید، نمازش صحیح است. (ص ۱۰۸)

- **پاسخ: غلط** (آرامش بدن در رکوع از شرایط صحت است.)

٤. طبق حدیث امام صادق(ع)، ذکر رکوع نشان‌دهنده تواضع و سپاس بنده در برابر خدای بزرگ است. (ص ۱۰۶)

- **پاسخ: صحیح**

ب) سؤالات چهارگزینه‌ای (۵ مورد)

۵. عبارت «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ» که در پایان درس به آن اشاره شد، بیانگر کدام مفهوم اصلی درس است؟ (ص ۱۰۱)

- الف) ضرورت شرکت در جمع
- ب) لزوم سکوت در برابر اشتباه دیگران
- ج) **همراهی همیشگی خداوند با انسان**
- د) اهمیت مشورت با دوستان

٦. وقتی یکی از بچه‌ها به راوی گفت: «شورش را در آورده‌ای... می‌خواهیم فیلم ببینیم. همین»، راوی در پاسخ از کدام استدلال استفاده **نکرد**؟ (ص ۱۰۱)

- الف) قانونی بودن این کار در مدرسه
- ب) **کم‌هزینه بودن و دردسترس بودن فیلم**
- ج) مسئولیت انسان در قبال گناه خود و دیگران
- د) شکرگزاری نعمت چشم با استفاده درست از آن

۷. حاج آقای محمدی برای تبیین فلسفه رکوع و آداب نماز، آن را به چه چیزی تشبیه کرد؟ (ص ۱۰۵)

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

- الف) حرکات ورزشی
- ب) تمرین تمرکز
- ج) **احترام نظامی و آداب خاص آن**
- د) رقص سماع عارفان

۸. اگر نمازگزار در یک رکعت، به جای یک رکوع، سهواً دو رکوع انجام دهد، حکم نماز چیست؟ (بر اساس تمرین ص ۱۱۱)

- الف) صحیح است.
- ب) **باطل است.**
- ج) فقط نیاز به سجده سهو دارد.
- د) در صورت عمدی باطل و در صورت سهوی صحیح است.

۹. نویسنده در بخش «ایستگاه تفکر» می‌پرسد: با دقت در تدبیر خدا درباره تملیخا و دوستانش به چه صفاتی از خدا پی می‌بریم؟ کدام گزینه به این پرسش **نزدیک‌تر** است؟ (ص ۹۹)

الف) قاهر و منتقم ب) غافل و بی‌توجه ج) **حکیم و مدبر** د) سریع‌الحساب

ج) سؤالات کوتاه پاسخ (۳ مورد)

۱۰. راوی در موقعیت اول (دفاع از معلم) چگونه احساس تنهایی خود را توصیف کرد؟ (ص ۱۰۰)

- **پاسخ: تنهایی شیرین، چون احساس می‌کرد خدا با اوست.**

۱۱. به گفته حاج آقا، دو دلیل اصلی وجوب نماز خواندن چیست؟ (با استناد به آیات ذکر شده) (ص ۱۰۴)

- **پاسخ: ۱. برای یاد خدا (إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ ... أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي). ۲. برای رسیدن به آرامش دل (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ).**

۱۲. ذکر رکوع چیست و ترجمه آن را بنویسید. (ص ۱۰۴ و ۱۰۶)

- **پاسخ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» – منزه است پروردگار بزرگم و حمد از آنِ اوست.**

د) سؤالات تشریحی / گسترده پاسخ (۳ مورد)

۱۳. در مواجهه با پیشنهاد تماشای فیلم نامناسب، سه استدلال را ذکر کرده و توضیح دهید هر کدام مبتنی بر کدام اصل اخلاق یا دینی است. (ص ۱۰۱)

- **پاسخ نمونه:**

۱. **قانون مدرسه** :مبتنی بر اصل **رعایت قانون و نظم** است.
۲. **مسئولیت در قبال گناه خود و دیگران** :مبتنی بر اصل **تأثیرپذیری جمع و مسئولیت‌پذیری فردی** در برابر اعمال نادرست است.
۳. **شکر نعمت چشم** :مبتنی بر اصل **حفظ و استفاده شایسته از نعمت‌های الهی** و پرهیز از اسراف در نعمت (نگاه) است.

۱٤. در بحث «نماز و ورزش»، دانش‌آموز تصور می‌کرد چون حرکتی شبیه رکوع در ورزش انجام می‌دهد، می‌تواند نماز را کنار بگذارد. حاج آقا با چه استدلالی این تفکر را اصلاح کرد؟ دو محور اصلی پاسخ او را توضیح دهید. (ص ۱۰۴-۱۰۶)

- **پاسخ نمونه:**

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

۱. **تفاوت درغایت و هدف :**هدف ورزش، **سلامت جسمانی** است، در حالی که هدف نماز، **یاد خدا و آرامش روحانی** است. نماز یک **عبادت قلبی و زبانی** است که با حرکتی نمادین همراه می‌شود، نه یک ورزش فیزیکی.

۲. **تفاوت درماهیت حرکات :**حرکات نماز (مانند رکوع)، **آداب تواضع و ادب** در پیشگاه خداوند متعال است. همان‌طور که برای احترام به یک فرمانده، آداب خاص نظامی وجود دارد، برای عبادت و حضور در پیشگاه خدا نیز آداب خاص شرعی تعریف شده است.

۱۵. درس «اعتماد به خدا» از داستان تملیخا (اصحاب کهف) شروع می‌شود و در زندگی راوی ادامه می‌یابد. به نظر شما، نویسنده چگونه می‌خواهد این مفهوم (اعتماد به خدا) را از یک داستان تاریخی به یک مهارت زندگی برای نوجوان امروزی تبدیل کند؟ ارتباط بین بخش داستانی و بخش زندگی راوی را تحلیل کنید.

- **پاسخ نمونه (جهت راهنمایی معلم) :**نویسنده با انتخاب داستان **اصحاب کهف** که نماد توکل و جدایی از جامعه فاسد است، یک **الگوی کلاسیک** ارائه می‌دهد. سپس با نشان دادن دو موقعیت **ملموس و روزمره** (دفاع از مظلوم و مقاومت در برابر گناه گروهی) این الگو را **عملیاتی و کاربردی** می‌کند. پیام این است: اعتماد به خدا فقط در شرایط خارق‌العاده نیست، بلکه **یک چارچوب فکری و عملی** برای تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در موقعیت‌های اجتماعی دشوار است. راوی با **یادآوری** سرگذشت تملیخا، **شجاعت** می‌یابد و با **عمل** به وظیفه، **حس همراهی خدا**

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس